

مقایسه احساس امنیت زنان و مردان در برابر اتباع بیگانه

فریا شایگان^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۳/۱۱

چکیده

زمینه: هدف تحقیق بررسی نقش اتباع بیگانه (عراقی و افغان) در احساس امنیت زنان و مردان است. روش: روش تحقیق «پیمایشی» است. جامعه آماری مردم ساکن در محلاتی از شهری بوده است، که عده‌ای چشم‌گیر از اتباع بیگانه عراقی و افغان در آنجا زندگی می‌کنند. از هر گروه زن و مرد، ۴۵ تن به‌طور اتفاقی برای پاسخ‌گویی برگزیده شده‌اند.

یافته‌ها: از پنج فرضیه تحقیق، چهار فرضیه تأیید شده و نتایج نشان داده است که فقدان احساس امنیت زنان مربوط به حضور بیگانگان بیش از مردان است و ترس از تردد در محله زندگی اتباع بیگانه، ترس از سکونت در این مناطق و ترس از سرقت اموال این افراد، در بین زنان نمونه بیش از مردان بوده است. نتیجه‌گیری: تفاوتی بین زنان و مردان از نظر احساس تهدید جانی توسط اتباع بیگانه دیده نشد.

کلیدواژه‌ها: احساس امنیت، اتباع بیگانه، امنیت زنان، نظریه فضای قابل دفاع، شهری.

مقدمه

از جمله نیازهای اساسی هر جامعه، امنیت اجتماعی است. «امنیت» در مفهوم عینی آن اندازه‌گیری فقدان تهدید بر ضد ارزش‌هاست. در مفهوم ذهنی آن فقدان احساس ترس از اینکه به چنین ارزش‌هایی حمله شود (مولر، ۲۰۰۳). امنیت اجتماعی توانایی جامعه در دفاع از خصوصیات و ویژگی‌های اساسی خود در برابر تغییرات و تهدیدات واقعی و احتمالی است. امنیت اجتماعی زمانی مطرح می‌شود که جوامع احساس می‌کنند هویت آنان در خطر است (ووچیتیتی، ۲۰۰۲). احساس فقدان امنیت در زنان بیش از مردان و در کودکان و سالخورده‌گان بیش از جوانان است؛ زیرا طبق گزارش سازمان بهداشت جهانی، سالانه دو تا چهار میلیون زن مورد خشونت واقع می‌شوند، هر زن در طول عمر خود بیست تا سی درصد احتمال دارد که در معرض خطر خشونت قرار گیرد. از بین افراد مسن، ۱/۸ میلیون تن مورد بدرفتاری قرار می‌گیرند، سالانه ۱/۷ میلیون مورد سوء استفاده از کودکان گزارش شده است. در اکثر کشورها بیش از بیست درصد زنان، در معرض عواقب منفی ناشی از خشونت هستند (سازمان بهداشت جهانی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۹).

عوامل متعددی بر نبود احساس امنیت در افراد تأثیرگذار است. یکی از این عوامل که در تحقیق حاضر به آن پرداخته شده، نقش اتباع بیگانه در کشور است. در ایران حضور اتباع بیگانه عراقی و خصوصاً افغان بیش از سایر کشورهاست که علت آن علاوه بر هم مرز بودن و بروز مشکلات همچون جنگ و بیکاری در آن کشورها، اشتراکات دینی و اعتقادی است. اگرچه این افراد در قالب نیروی کار ارزان و پرداختن به کارهای سطح پایین، کمک شایانی به کشور می‌کنند، لکن با پخش شایعاتی از آن‌ها و اخباری که از جرایم و انحرافات این مهاجران منتشر می‌شود، موجب افزایش احساس نگرانی و فقدان امنیت، خصوصاً در زنان شده است.

در بررسی اولیه به نظر می‌رسد که احساس فقدان امنیت زنان به دلیل ویژگی‌های فیزیکی و جسمی و روحی و آسیب‌پذیری بیشتر و نگرانی از هتک حرمت و مشکلات حیثیتی در قیاس با مردان، بسیار بیشتر باشد؛ به همین منظور تحقیق حاضر با مطالعه مقایسه‌ای زنان و مردان ساکن در شهری که به علت داشتن اماکن زیارتی پذیرای شمار چشم‌گیری از مهاجران عراقی و افغان است و قصد بررسی علمی این موضوع را در حد محدود دارد و می‌خواهد به این سؤال پاسخ دهد که: «حضور اتباع بیگانه بر احساس امنیت زنان تأثیر بیشتری دارد یا بر احساس امنیت مردان؟»

بنابراین هدف مقاله حاضر بررسی تأثیر حضور اتباع بیگانه عراقی و افغان بر احساس امنیت زنان و

1. Møller
2. Vucetic

مردان شهری است. در این بررسی مقایسه بین زنان و مردان در تأثیر پذیری از حضور اتباع بیگانه هم مورد مطالعه قرار گرفته است.

اهمیت و ضرورت تحقیق: در بررسی پژوهش‌هایی که تا به حال انجام شده است، هیچ‌گونه پژوهشی به مقایسه تأثیر حضور اتباع بیگانه بر احساس امنیت زنان و مردان نپرداخته است. حال آنکه با این مقایسه چنانکه پیشینه مطالعاتی نشان می‌دهد، ثابت کند که حضور اتباع بیگانه احساس ناامنی در زنان را افزایش می‌دهد (از طرفی زنان به آسانی می‌توانند این احساس را به فرزندان و دیگر زنان و دختران منتقل کنند و موجب فراگیر شدن احساس فقدان امنیت شوند)، توجه بیشتر مسئولان را به اهمیت موضوع جلب کنند و در جهت برنامه‌ریزی درست برای حضور قانونی و متعهدانه اتباع بیگانه در کشور، و نیز کنترل آنان به وسیله پلیس، تلاش بیشتری داشته باشند.

تحقیقات پیشین: ادیبی‌نیا (۱۳۸۷) با بهره‌گیری از نظریه‌های دولت‌محور و قدرت‌محور و تدوین پنج فرضیه به بررسی نقش اتباع عراقی در تهدید امنیت اجتماعی شهر قم پرداخته است. روش تحقیق پیمایشی و جامعه آماری ۷۵ تن از فرماندهان و مدیران انتظامی و امنیتی شهرستان قم هستند. نتایج نشان می‌دهد که از پنج فرضیه مورد نظر، چهار فرضیه با متغیرهای: مراعات نکردن هنجارها، کاهش توان پلیس برای تأمین امنیت شهر، ارتکاب جرایم عراقی‌ها و کاهش توان دولت برای تأمین امنیت اجتماعی، تأیید شده و فرضیه مربوط به مراعات نکردن قوانین پناهندگی تأیید نشد.

نجیبی (۱۳۸۴) در شناسایی مشکلات امنیتی - اجتماعی زنان در روابط شهری به این نتیجه رسیده است که حدود ۷۴٪ زنان، میزان جرم و جنایت را در جامعه چشم‌گیر می‌دانند. حدود ۶۶٪ با شنیدن جرایم، یا خواندن آن در روابط اجتماعی احتیاط می‌کنند. حدود ۶۵٪ زنان راننده با مزاحمت‌های بسیار مواجه شده‌اند. حدود ۷۴٪ هنگام تاریک بودن معابر احساس دلهره دارند. حدود ۶۳٪ اعلام کرده‌اند که جامعه برای زنان اصلاً امن نیست (نجیبی، ۱۳۸۴).

صادقی‌فسایی و میرحسینی (۱۳۸۸) با مصاحبه با ۵۰ زن ۱۹ تا ۵۵ ساله به بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر ترس از جرم، در میان زنان در شهر تهران به صورت تحقیق کیفی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که نوع جامعه‌پذیری، تجربه خشونت، ترس از تجاوز جنسی، معماری و طراحی مردانه شهرها، حمایت نشدن قانونی، ترس از برچسب خوردن و عوامل دیگری، چون مهاجرت، بارداری، غربیگی، بیماری و معلولیت، علل اصلی ترس زنان از جرم هستند.

مبانی نظری پژوهش: پیرامون امنیت نظرات متفاوتی بیان می‌شود: «امنیت به معنای آن است که مردم

هراس و بیمی دربارهٔ حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته باشند و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید نکند.» (عمیدزنجانی، ۱۳۶۶، ص ۵۴۸)؛ «امنیت فردی زمانی تأمین می‌شود که از جان و مایملک فرد درمقابل سایر افراد جامعه صیانت شود.» (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۵۲). پژوهشگران در چهارچوب واقع‌بینانه‌ای «امنیت» را در واژه‌های سیاسی و انتظامی تعریف کرده‌اند و به طور کلی بیشتر آنان، «امنیت را به معنای حمایت از ارزش‌ها و مقابله با خطرها و دشمن می‌دانند» (براون لو، ۲۰۰۵، ص ۵۶۸).

«امنیت» را می‌توان حقی بنیادین و پیش‌نیازی برای بقا و ارتقای رفاه و سلامت مردم به شمار آورد. براساس نظریهٔ نیازهای مازلو در ۱۹۶۸، «امنیت» از جمله نیازهای ضروری و پایه‌ای تعالی انسان تلقی می‌شود، درست شبیه نیازهای فیزیولوژیک انسان که برای تداوم حیات ضرورت دارد و در مجموع، ارتقای این مؤلفه بر سلامت و سعادت انسان و در نتیجه جامعه، تأثیری مستقیم می‌گذارد (موریس، لاوویی، شارون، چاپدولاین و بونو، ۱۹۹۸، ص ۲۷۱).

استقرار امنیت برای آحاد جامعه از وظایف مستقیم دولت‌هاست که باید در این زمینه با تأسیس سازمان‌ها و تشکیلاتی خاص این نیاز ضروری افراد جامعه را تأمین کنند؛ اما علاوه بر امنیت و شاید مهم‌تر از آن، احساس امنیت است، یعنی شرایطی که افراد، ناامنی و اضطراب را احساس نکنند. چه بسا در جامعه‌ای امنیت برقرار باشد، ولی به علل گوناگون افراد احساس ناامنی کنند. باید توجه داشت که بقای روانی، بیش از بقای جسمانی در گرو امنیت است. در واقع در «بهداشت روانی» اساسی‌ترین رکن، همانا «احساس امنیت» است و از یک دیدگاه آنچه موجب رضای خاطر و خشنودی یا احساس امنیت می‌شود، همانا تأمین حقوق و آزادی‌های مشروع افراد هر جامعه است. به عبارت دیگر، ناامنی در جایی است که حقوق و آزادی‌های مردم تهدید شود و به مخاطره افتد (لرنی، ۱۳۸۳، ص ۴۰).

به احساس امنیت یا امنیت روانی هنگامی می‌توان اشاره کرد که فرد یا جامعه‌ای، از احساس «کفایت»، «اعتماد» و «آرامش» برخوردار باشد و از احساس «دلهره»، «اضطراب» و «ترس» رها شود. آنچه این وضعیت را پدید می‌آورد، توقع و انتظار فرد در برآورده شدن و به کمال رساندن نیازهای فعلی و آیندهٔ خویش است. همچنین آنچه این وضعیت را پدید می‌آورد، در خور پیش‌بینی کردن نیازها و راه برآورده شدن آنها و نیز تعیین کردن تهدیدها و شیوهٔ کنترل آنهاست.

دربارهٔ اهمیت احساس امنیت کافی است که اشاره شود: مخرج مشترک همهٔ آسیب‌های اجتماعی

1. Brownlow

2. Maurice, Lavoie, Charron, , Chapdelaine, & Bonneau

و انحراف‌های رفتاری در جامعه، همانا «احساس ناامنی» است. بدهی است احساس ناامنی، درد و رنج، ترس و نگرانی در خصوص آینده‌ای مبهم و تاریک؛ معمولاً حالت روانی ناخوشایندی در انسان تولید می‌کند که «اضطراب» یا «انگیزه اضطراب» نامیده می‌شود. در پیدایی این انگیزه، محیط زیستی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی، تأثیر بسیاری دارد و جوّ ارباب و تخاصم، میزان آن را به بیشترین حد خود می‌رساند.

به هر کیفیت امنیت در هر جامعه، زمانی پدیدار می‌شود که امنیت روانی یا احساس امنیت، حاکم باشد و احساس امنیت، نمایی از تلاش همگانی برای اداره جامعه سالم به شمار می‌رود (لرنی، ۱۳۸۳، ص ۴۳). از دیدگاه‌های گوناگون می‌توان به مسئله احساس امنیت نگریست، از جمله نظریاتی که به این موضوع، خصوصاً به بحث امنیت زنان می‌پردازد، نظریه «فضاهای قابل دفاع» (نیومن، ۱۹۷۲) است. این نظریه عواملی چون تولید قلمرو مناسب، تولید احساس مالکیت و تعلق خاطر به فضا، امکان نظارت طبیعی از داخل ساختمان، به فضای خارجی (ارتباط بصری) و بهبود شرایط فیزیکی و کالبدی منطقه محل سکونت افراد را، راه‌حل مقابله با ترس می‌داند (نیومن، ۱۳۸۷، ص ۶۵).

همچنین «نیومن» معتقد است که فضای قابل دفاع، زمانی محقق می‌شود که مرز میان فضای خصوصی و عمومی مشخص باشد و آن زمان است که نحوه طراحی محیط چه بسا بر میزان نظارت و کنترل ساکنان فضاها تأثیری مثبت داشته باشد و موجب کاهش جرم و در نتیجه کاهش ترس از جرم شود. هر چه فرد به محیط خصوصی و فضای محله‌ای که در آن ساکن است، تسلط بیشتری داشته باشد، احساس امنیت بیشتری نیز خواهد کرد.

بر این اساس بسیاری از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که با دستکاری فضاها و تلطیف آن می‌توان احساس امنیت را در زنان افزایش داد، اما تحقیقات دیگر نشان می‌دهد که صرف مکان، عامل ترس از جرم، در میان زنان نیست. زنان نشان داده‌اند که در محیط‌های یکسان به یک میزان واکنش نشان نمی‌دهند. به این معنا که برخی از زنان از فضاهای خلوت و برخی از فضاهای شلوغ می‌ترسند. خود فضا عامل ترس از جرم و فقدان ایمنی نیست. نظریه پردازان کنترل اجتماعی به این نتیجه رسیده‌اند که دستکاری محیط، میزان جرم را کاهش می‌دهد، ولی متغیر ترس از جرم تغییر نمی‌کند (نیومن، ۱۳۸۷، ص ۶۵).

نظریات فمینیستی در ارتباط با زنان و مسئله احساس ناامنی، ترس را در مناسبات سیاسی، اجتماعی و قدرتی جست‌وجو می‌کند. در این رویکرد تمرکز اصلی بر منزلت اجتماعی زنان است و اعتقاد بر این

است که جداسازی زنان یا کنار گذاشتن آنان و تلفیق نشدنشان با اجتماع و همچنین فرودستی آنان بر احساس ناامنی آنان می‌افزاید. در این میان شرایط جامعه‌پذیری خاص و موقعیت‌های از پیش تعریف شده فرودستی برای زنان، آنان را مستعد احساس بی‌اعتمادی و ناامنی بیشتری در برابر مردان می‌سازد. (سگالن، ۱۳۷۵، ص ۳۳۵).

دیدگاه تجربه بزه‌دیدگی: براساس دیدگاه تجربه بزه‌دیدگی واتس، بسانت و هیل^۱ (۲۰۰۸) به‌نقل از معتمدی‌مهر، (۱۳۸۰، ص ۷۶)، بین قربانی جرم بودن و احساس ناامنی ارتباطی مستقیم برقرار است و ترس از جرم بعضاً نتیجه قربانی شدن یا ترس از قربانی شدن بیان می‌شود. در این رویکرد صرف قربانی جرم بودن خود فرد، ملاک اصل ترس نیست، بلکه آگاهی مستمر از حوادث جرمی و ارتباط با قربانیان جرایم و همچنین مشابهت‌های جنسی، سنی، موقعیتی با فرد قربانی و قرار گرفتن در شرایط مشابه قربانیان جرایم، در افزایش ترس از جرم مؤثر است.

پژوهش‌های آماری مرتبط با این حقیقت که تجربه بزه‌دیدگی با ترس از جرم در ارتباط است، حقایقی را بیان کرده‌اند. بنابر آمار، زنان ۳۵ سال یا بیشتر که تجربه بزه‌دیدگی نداشته‌اند، به ترتیب ۵۴٪ و ۶۴٪ احساس ناامنی و ترس از جرم دارند و در صورتی که یک بار تجربه بزه‌دیدگی داشته باشند؛ در همان ترتیب سنی، این عدد به ۶۳٪ و ۷۷٪ می‌رسد (معتمدی‌مهر، ۱۳۸۰، ص ۷۶).

اتباع بیگانه و احساس ناامنی: از جمله عواملی که موجب افزایش احساس ناامنی در زنان می‌شود، حضور افراد غریبه و اتباع بیگانه در مکان‌هایی است که تردد اتباع بیگانه متراکم باشد، خصوصاً در شرایطی که این بیگانگان مشهور به اجرای جرایم باشند، نگرش منفی افراد، خصوصاً زنان را موجب و سبب ترس بیشتر زنان و احساس ناامنی آنان می‌شود.

اگرچه حضور اتباع بیگانه و پذیرش مهاجران برای کشور فوایدی دارد و گفته می‌شود که مهاجران به علت قبول و اجرای کارهای سنگین و توان‌فروسا به توسعه کشور کمک می‌کنند و بسیاری از مشاغل پایین و دشوار را که اهالی بومی هر کشور حاضر به اجرای آن نیستند، این افراد انجام می‌دهند و حتی ممکن است مردم را با یک فرهنگ دیگر آشنا کنند؛ ولی مضرات و زیان‌های بسیاری در پی دارد که این نفع اجتماعی را خنثی می‌کند. از جمله زیان‌های مهاجران، به ویژه اسکان در منطقه، تولید ناامنی برای ساکنان آن منطقه محسوب می‌شود. مهاجران پای‌بندی به ارزش‌های حاکم بر جامعه ندارند و شکست‌هنجارها و ارزش‌ها برای آنان بسیار دشوار نیست و اگر کنترل جدی بر آنان نباشد، علاوه بر رواج

1. Watts, Bessant, & Hill

ارزش‌ها و فرهنگ کشور خود و تأثیر بر فرهنگ مردم آن منطقه، به علت ناوابستگی به کشور میزبان به اعمال خلاف قوانین و جرایم دست می‌زنند. در برخی موارد این جرایم به علت ساختار مردانه مهاجرت‌ها، متوجه زنان می‌شود و تهدیدات جسمی و جنسی زنان از سوی مهاجران بیگانه چشم‌گیر است. به طور کلی پناهندگان در جوامع پذیرنده معمولاً به پائین نردبان اجتماعی رانده می‌شوند، مگر اینکه توانایی‌های ویژه‌ای داشته باشند. (نظری تاج‌آبادی، ۱۳۶۹، ص ۱۲۱). در کشور ایران بیشترین گروه مهاجران از کشور افغانستان و پس از آن در سال‌های اخیر، از کشور عراق است. این مهاجران که به علت قرابت دینی و همسایگی به ایران مهاجرت کرده‌اند، اغلب از طبقات پائین اجتماعی هستند و بسیاری از آنان به صورت غیرقانونی و بدون مجوز پناهندگی به ایران آمده‌اند، لذا اقدامات غیرقانونی، هنجارشکنی و اعمال مجرمانه برای آنان آسان‌تر است و تجمع ایشان در حواشی شهرهای بزرگ یا مذهبی موجب افزایش احساس ناامنی، خصوصاً برای زنان آن مناطق شده است. بر این اساس تمرکز تحقیق حاضر بر نقش حضور اتباع بیگانه بر کاهش احساس امنیت زنان استوار است و فرضیات زیر برای بررسی تدوین شده است:

فرضیه اصلی: «بین دو گروه از زنان و مردان از حیث احساس امنیت در خصوص حضور اتباع بیگانه فرق دارد»؛ یعنی: میزان احساس امنیت زنان در برابر حضور اتباع بیگانه کمتر از مردان است. فرضیه‌های فرعی عبارتند از:

۱. ترس از تردد به تنهایی در محله‌های زندگی اتباع بیگانه در بین زنان، بیش از مردان است.
۲. احساس تهدید جانی اتباع بیگانه در بین زنان، بیش از مردان است.
۳. ترس از سکونت در محله‌های زندگی اتباع بیگانه در بین زنان، بیش از مردان است.
۴. ترس از سرقت اموال توسط اتباع بیگانه در بین زنان، بیش از مردان است.

روش

از آنجا که تحقیق حاضر در پی سنجش نگرش پاسخ‌گویان و میزان احساس امنیت آنان بوده از روش پیمایشی استفاده شد و اطلاعات لازم از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته، جمع‌آوری گردید.

از آنجا که در محلاتی از شهری عده چشم‌گیری اتباع بیگانه عراقی و افغان ساکن هستند و مردم شهری با ایشان زندگی می‌کنند، جامعه آماری ساکنان این مناطق در نظر گرفته شد و برای مقایسه میزان احساس امنیت زنان و مردان به شمار مساوی از زنان و مردان از هر گروه ۴۵ تن به صورت اتفاقی برگزیده شدند؛ لذا ۹۰ پرسشنامه تجزیه و تحلیل شد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آماره‌های توصیفی و آزمون t از طریق SPSS استفاده شد..

تعریف مفاهیم: مفاهیم کلیدی پژوهش در زیر تعریف شده‌اند:

□ احساس امنیت: افشار (۱۳۸۴) احساس امنیت را اینگونه تعریف کرده است:

به فقدان هراس از اینکه ارزش‌های انسانی مورد حمله قرار گیرد یا به مخاطره نیفتد و به نبود هراس و بیم در برابر حقوق و آزادی‌های مشروع است. این مفهوم به این نکته توجه دارد که افراد چه مقدار احساس آسایش خاطر و آرامش قلب دارند که حقوق آنان مراعات می‌شود و به طور نسبی، احتمالاً مورد حمله قرار می‌گیرد. احساس امنیت اجتماعی از آن جهت مهم است که به برداشتها و پنداشتهای افراد درباره محیط توجه می‌کند (ص ۵).

در این پژوهش احساس امنیت با پرسش‌هایی درخصوص امنیت جانی (ترس از تهدید جانی اتباع بیگانه)، مالی (ترس از سرقت اموال و خودرو) و حیثیتی (ترس از تردد زن و فرزند)، در مکان‌هایی که اتباع بیگانه به میزان چشم‌گیری در آنجا حضور دارند با شش گویه و در سطح ترتیبی سنجیده شده است. □ اتباع بیگانه: «تبعه، فردی است که تابعیت دولت معینی را داشته باشد و اگر در کشوری زندگی کند که تابعیت آن کشور را نداشته باشد، به آن تبعه بیگانه گفته می‌شود» (نصیری، ۱۳۸۲، ص ۸۰). در این پژوهش منظور، اتباع افغان و عراقی است که در شهری سکونت دارند و بر احساس امنیت ساکنان آن منطقه تأثیر گذاشته‌اند.

ترس از تردد در محله‌های زندگی اتباع بیگانه با سؤال از پاسخ‌گویان درخصوص تردد خود، همسر و فرزندان و اعضای خانواده ایشان به تنهایی در کوچه و خیابان، چه در روز یا شب با پنج گویه پرسیده می‌شود. احساس تهدید جانی به دست اتباع بیگانه (با سه سؤال) و نیز ترس از سرقت اموال به دست آنان (با سه سؤال) و احساس ناامنی از سکونت در محله‌هایی که اتباع بیگانه فراوانی در آن منطقه زندگی می‌کنند، (با دو سؤال) از پاسخ‌گویان جويا شده است.

در سنجش پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ بهره گرفته شد ($\alpha=0/78$)، که هماهنگی بین گویه‌ها در سطح مطلوبی بود و برای سنجش روایی پرسشنامه نیز از دیدگاه‌های کارشناسان و صاحب‌نظران استفاده شده است.

یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی: ۴۵ نفر زن و ۴۵ نفر مرد جامعه آماری را تشکیل دادند.

جدول ۱. فراوانی و درصد سن پاسخ‌گویان به تفکیک زن و مرد

سن	زن	مرد	کل
۲۰-۲۴	۱۱ ٪۲۴/۴	۸ ٪۱۷/۸	۱۹ ٪۲۱/۰
۲۵-۲۹	۱۱ ٪۲۴/۴	۸ ٪۱۷/۸	۱۹ ٪۲۱/۱
۳۰-۳۴	۱۲ ٪۲۶/۷	۸ ٪۱۷/۸	۲۰ ٪۲۲/۲
۳۵-۳۹	۳ ٪۶/۷	۶ ٪۱۳/۳	۹ ٪۱۰/۰
۴۰-۴۴	۵ ٪۱۱/۱	۱۲ ٪۲۶/۷	۱۷ ٪۱۸/۹
+۴۵	۳ ٪۶/۷	۳ ٪۶/۷	۶ ٪۶/۷
جمع	۴۵ ٪۱۰۰	۴۵ ٪۱۰۰	۹۰ ٪۱۰۰

چنانکه در جدول ۱ مشخص شده است، اکثر پاسخ‌گویان در کل (۲۲٪) در ۳۰ تا ۳۴ سالگی قرار داشتند که ۲۷٪ زنان در این سن و حدود ۱۸٪ مردان در این سنین قرار داشتند. البته بیشتر پاسخ‌گویان مرد، یعنی ۲۷٪ آنان در مقطع ۴۰ تا ۴۴ سالگی قرار داشتند؛ وضعیت تأهل پاسخ‌گویان در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. فراوانی و درصد وضعیت تأهل پاسخ‌گویان به تفکیک زن و مرد

وضع تأهل	زن	مرد	کل
متأهل	۳۲ ٪۷۱/۱	۳۲ ٪۷۱/۱	۶۴ ٪۷۱/۱
مجرد	۱۱ ٪۲۴/۴	۱۳ ٪۲۸/۹	۲۴ ٪۲۶/۷
سایر	۲ ٪۴/۴	۰ ٪۰	۲ ٪۲/۲
جمع	۴۵ ٪۱۰۰	۴۵ ٪۱۰۰	۹۰ ٪۱۰۰

چنانکه جدول ۲ نشان می‌دهد ۷۱٪ زنان و مردان متأهل، ۲۴٪ زنان و ۲۹٪ مردان مجرد و ۴٪ زنان نیز مطلقه بوده‌اند. در کل می‌توان گفت که نمونه زن و مرد از نظر وضعیت تأهل مشابه یکدیگر بوده‌اند.

جدول ۳. درصد تحصیلات پاسخ‌گویان به تفکیک زن و مرد

تحصیلات	زن	مرد	کل
زیردیپلم	۸/۸	۱۳/۲	۲۲/۲
دیپلم	۴۸/۹	۳۱/۱	۴۰/۰
فوق‌دیپلم	۲۲/۲	۲۴/۴	۲۳/۳
لیسانس و بیشتر	۲۰/۰	۳۱/۱	۲۵/۵
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

جدول ۳ نشان می‌دهد که ۸/۸٪ زنان و ۱۳٪ مردان زیردیپلم، ۴۹٪ زنان و ۳۱٪ مردان دیپلم، ۴۲٪ زنان و ۵۵/۵٪ مردان بیش از دیپلم داشته‌اند. میزان سواد بیش از دیپلم مردان پاسخ‌گو، بیش از زنان بوده است.

جدول ۴. درصد شغل پاسخ‌گویان به تفکیک زن و مرد

شغل	زن	مرد	کل
آزاد	۴/۴	۴۴/۴	۲۴/۴
نظامی	۸/۹	۱۵/۶	۱۲/۲
کارمند	۲۶/۷	۱۷/۸	۲۲/۲
خانه‌دار	۴۶/۷	۰	۲۳/۳
بیکار	۴/۴	۱۱/۱	۷/۸
دانشجو	۲/۲	۸/۹	۵/۶
بی‌پاسخ	۶/۷	۲/۲	۴/۴
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

بیشتر مردان پاسخ‌گو (۴۴/۴٪) در مشاغل آزاد، همچون مغازه‌داری، تعمیرگاه و مکانیکی و امثال آن کار می‌کرده‌اند و ۱۸٪ هم کارمند بوده‌اند؛ از بین زنان پاسخ‌گو ۴۷٪ خانه‌دار و ۲۷٪ کارمند بوده‌اند (جدول ۴).

آزمون فرضیات: نخستین فرضیه تحقیق به میزان احساس امنیت پاسخ‌گویان پرداخته که در مناطق سکونت اتباع بیگانه زندگی می‌کردند.

جدول ۵. احساس امنیت پاسخ‌گویان در خصوص هر یک از اقدامات زیر:

مرد			زن			گویه‌ها
زیاد	متوسط	کم	زیاد	متوسط	کم	
۷۳/۳	۲۲/۲	۴/۴	۸۸/۹	۸/۹	۲/۲	ترس از تردد شب هنگام در محله
۸۰/۰	۲۰/۰	۰/۰	۸۴/۴	۱۳/۳	۲/۲	نگرانی از تردد فرزندان در محله
۵۳/۳	۲۲/۲	۲۴/۴	۵۵/۵	۳۱/۱	۱۳/۳	احساس تهدید جانی اتباع بیگانه
۵۱/۱	۴۰/۰	۸/۹	۵۴/۵	۳۳/۳	۲/۲	ترس از سرقت ائانه منزل
۵۳/۴	۴۰/۰	۶/۷	۶۸/۹	۲۶/۷	۴/۴	ترس از سرقت اموال و خودرو
۸۶/۶	۸/۹	۴/۴	۹۳/۳	۴/۴	۲/۲	ترس از تردد دختر به تنهایی

نتایج داده‌ها در کل به شرح جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶. درصد احساس امنیت پاسخ‌گویان به تفکیک زن و مرد

احساس امنیت	زن	مرد	کل
زیاد	۶/۷	۲۶/۷	۱۶/۷
متوسط	۲۰/۰	۱۷/۸	۱۸/۹
کم	۷۳/۳	۵۵/۶	۶۴/۴
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

چنانکه جدول ۶ نشان می‌دهد، در کل ۶۴/۴٪ پاسخ‌گویان، احساس امنیت کمتری داشته، ۱۹٪، درصد متوسط و فقط ۱۷٪ احساس امنیت بیشتری داشته‌اند. در مقایسه میزان احساس امنیت زنان و مردان، بر اثر حضور اتباع بیگانه در محل، داده‌ها نشان می‌دهند که ۷۳/۳٪ زنان احساس امنیت کمتری در این زمینه داشته‌اند، حال آنکه این میزان در بین مردان ۵۶٪ بوده است، البته این درصدها نشان می‌دهد که بیش از نیمی از مردان هم از حضور اتباع بیگانه احساس ناامنی داشته‌اند. از طرفی میانگین احساس امنیت زنان ۱/۰۲ و میانگین احساس امنیت مردان ۱/۳۴ از سه بوده است، که ضمن محدود بودن میانگین احساس امنیت هر دو گروه، میانگین احساس امنیت زنان کمتر از مردان بوده است.

مقایسه میانگین‌های دو گروه مستقل به وسیله آزمون t هم صورت گرفت، که نتایج آن در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷. نتایج آزمون t با دو گروه مستقل مربوط به رابطه بین جنس و احساس امنیت اجتماعی

جنس	F	درجه آزادی	T	سطح معناداری
واریانس‌های برابر	۱۷/۲۸۳	۸۸	۲/۳۹۵	۰/۰۰۰

چنانکه آزمون t نشان می‌دهد جنسیت با احساس امنیت اجتماعی، با ۹۹٪ اطمینان در بین پاسخ‌گویان، معنادار بوده است؛ یعنی در مقایسه بین دو جنس، زنان در قیاس با مردان، احساس ناامنی بیشتری از حضور اتباع بیگانه در منطقه مسکونی خود داشته‌اند؛ بنابراین فرضیه اول تحقیق تأیید گردیده است. ترس از تردد خود و فرزندان به تنهایی، در محله‌های زندگی اتباع بیگانه فرضیه بعدی بود که احتمال داده شد این ترس در بین زنان بیش از مردان باشد (جدول ۸).

جدول ۸. درصد ترس از تردد خود و فرزندان پاسخ‌گویان

به تفکیک زن و مرد

ترس از تردد	زن	مرد	جمع
زیاد	۶۶/۷	۵۳/۳	۶۰/۰
متوسط	۲۶/۷	۳۳/۳	۳۰/۰
کم	۶/۷	۱۳/۳	۱۰/۰
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد ۶۷٪ زنان تا حد چشم‌گیری از تردد خود و فرزندان‌شان در محله‌های زندگی اتباع بیگانه می‌ترسند و ۵۳٪ از مردان نیز تا حد چشم‌گیر از این مسئله ترس داشته‌اند؛ فقط ۷٪ زنان از تردد خود و فرزندان خویش در محله‌های زندگی اتباع بیگانه، به میزان کمی می‌ترسند و این در حالی است که ۱۳٪ مردان ترس کمی از این مسئله داشته‌اند.

جدول ۹. نتایج آزمون t مربوط به تفاوت دو جنس و ترس از تردد

جنس	F	درجه آزادی	T	سطح معناداری
واریانس‌های برابر	۱/۶۱۵	۸۸	۱/۹۱۵	۰/۰۵۱

آزمون t یاد شده نشان دهنده تأیید رابطه جنسیت با ترس از تردد در محله‌های زندگی اتباع بیگانه، در سطح ۹۵٪ بین پاسخ‌گویان بوده است؛ یعنی زنان بیش از مردان از تردد، به تنهایی یا فرزندان خویش در این گونه محلات می‌ترسند و بخشی مهم از این ترس هم به علت آسیب‌پذیر بودن زنان و ترس از آبرو و حیثیت بوده است، که ممکن است به دست اتباع بیگانه - که اغلب هم مردان مهاجر بدون همسر هستند - خدشه‌دار کنند. این ترس در بین مردان کمتر است، زیرا هم توان جسمی مقابله با مخاطرات را دارند و هم نگرانی مسائلی نظیر هتک حرمت و آبرو نیستند.

فرضیه بعدی تحقیق، به بررسی فرق بین زن و مرد و احساس تهدید جانی به دست اتباع بیگانه پرداخته است که نتایج جدول ۱۰ نشان دهنده تأیید نشدن این فرضیه است.

جدول ۱۰. درصد احساس تهدید جانی پاسخ‌گویان به تفکیک زن و مرد

تهدید جانی	زن	مرد	کل
زیاد	۵۵/۶	۵۳/۳	۵۴/۴
متوسط	۳۱/۱	۲۲/۲	۲۶/۷
کم	۱۳/۳	۲۴/۴	۱۸/۹
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

چنانکه جدول ۱۰ نشان می‌دهد، ۵۶٪ پاسخ‌گویان زن، و ۵۳٪ پاسخ‌گویان مرد، از طرف اتباع بیگانه به میزان چشم‌گیری احساس تهدید جانی می‌کنند و ۱۳٪ زنان و ۲۴٪ مردان در محل زندگی احساس تهدید جانی می‌کنند. البته در کل، فرق چندانی بین زن و مرد، از لحاظ احساس تهدید جانی به چشم نمی‌خورد، که جدول زیر هم بیان‌کننده این مسئله است.

جدول ۱۱. نتایج آزمون T مربوط به فرق دو جنس و احساس تهدید جانی به دست اتباع بیگانه

جنس	F	درجه آزادی	T	سطح معناداری
واریانس‌های برابر	۱/۴۴۸	۸۸	۰/۶۰۷	۰/۲۳۲

آزمون t یاد شده نشان دهنده فقدان رابطه معنادار بین دو میانگین است و نشان می‌دهد که فرق معناداری بین میزان ترس از تهدید جانی به دست اتباع بیگانه بین زنان و مردان وجود ندارد.

ترس بیشتر زنان از سکونت در محله‌های زندگی اتباع بیگانه، در مقایسه با مردان، فرضیه دیگر تحقیق بوده است که پس از بیان فراوانی و درصد آن، با آزمون t ، به مقایسه میانگین‌های دو گروه مستقل پرداخته‌ایم.

جدول ۱۲. درصد ترس از سکونت در محله‌های زندگی اتباع

بیگانه پاسخ‌گویان به تفکیک زن و مرد

ترس از سکونت	زن	مرد	کل
زیاد	۸۴/۴	۷۲/۷	۷۸/۷
متوسط	۱۳/۳	۱۸/۲	۱۵/۷
کم	۲/۲	۹/۱	۵/۶
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مطابق جدول ۱۲، ۸۴٪ زنان از سکونت در محله‌های زندگی اتباع بیگانه در حدی چشم‌گیر می‌ترسند، ولی ۷۳٪ مردان در حدی فوق‌العاده از این موضوع می‌ترسند. همچنین ۹٪ مردان از سکونت در محله‌های زندگی اتباع بیگانه نگران نیستند، حال آنکه فقط ۲٪ زنان این نگرانی را ندارند. بخشی مهم از این مسئله به بحث حیثیتی باز می‌گردد که زنان از این بابت بیشتر نگران هستند.

جدول ۱۳. نتایج آزمون t مربوط به فرق دو جنس و ترس از سکونت در

محله‌های زندگی اتباع بیگانه

جنس	F	درجه آزادی	T	سطح معناداری
واریانس‌های برابر	۲/۲۱۱	۸۸	۲/۳۰۵	۰/۰۲۴

آزمون t نشان می‌دهد که فرق معناداری بین ترس از سکونت در محله‌های زندگی اتباع بیگانه، بین زنان و مردان دیده می‌شود و این ترس در بین زنان بیش از مردان بوده است. از آنجا که اغلب پاسخ‌گویان این تحقیق زنان خانه‌دار بودند، که بیشتر وقت خود را در منزل می‌گذرانند و برای برخی خرید روزمره ناچار به تردد در محل هستند، از اینکه منزل مسکونی آنان در منطقه زندگی اتباع بیگانه باشد، احساس ترس و نگرانی بیشتری داشته‌اند.

فرضیه آخر تحقیق به رابطه بین جنسیت و ترس از سرقت اموال به دست اتباع بیگانه مربوط می‌شود که نتایج با جدول دو بعدی و آزمون t برای دو گروه مستقل سنجیده شده و نتایج آن در جدول ۱۴ و ۱۵ آمده است.

جدول ۱۴. درصد ترس از سرقت اموال پاسخ‌گویان به تفکیک زن و مرد

سرقت اموال	زن	مرد	کل
زیاد	۴۶/۷	۲۴/۴	۳۵/۶
متوسط	۴۶/۷	۵۷/۸	۵۲/۲
کم	۶/۷	۱۷/۸	۱۲/۲
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که ۴۷٪ زنان به میزانی چشم‌گیر از سرقت اموال خود به دست اتباع بیگانه می‌ترسند و این در حالی است که فقط ۲۴٪ از مردان، از این موضوع بسیار می‌ترسند و ۵۸٪ مردان در حد متوسط از سرقت اموال خود به دست اتباع بیگانه می‌ترسند.

جدول ۱۵. نتایج آزمون T مربوط به فرق دو جنس و ترس از سرقت اموال به دست اتباع بیگانه

جنس	F	درجه آزادی	T	سطح معناداری
واریانس‌های برابر	۳/۲۸۵	۸۸	۳/۰۸۴	۰/۰۰۳

آزمون t یاد شده با سطح معناداری بسیار بیشتر در بین پاسخ‌گویان تأییدکننده فرضیه آخر بوده و نشان داده است که فرق معناداری بین زنان و مردان در میزان ترس از سرقت اموال به دست اتباع بیگانه مشاهده می‌شود و این ترس در بین زنان بیش از مردان بوده است.

چنانکه در مبانی نظری پژوهش ذکر شده است، شکست هنجارها و مراعات نکردن قوانین و مقررات به دست اتباع بیگانه خصوصاً زمانی که به صورت غیرقانونی وارد کشوری شده باشند، امری بسیار محتمل است و حداقل این ذهنیت مطرح است که این افراد اقدام به سرقت کنند. کلاً برجسب مجرم بودن، خصوصاً در کشور ما به اتباع افغان زده شده و نگرش ساکنان محل درباره آنان منفی است.

بحث و نتیجه‌گیری

استقرار امنیت از جمله ضروریات زندگی بشر و مهم‌تر از خود امنیت، احساس امنیت است؛ زیرا چه بسا در شرایطی امنیت حاکم باشد؛ لکن افراد، احساس ناامنی کنند و نتوانند زندگی خود را در آرامش و آسایش بگذرانند. احساس امنیت برای زنان - که وظیفه تربیت فرزندان را بر عهده دارند و احساسات خود را به آنان

منتقل می‌کنند- بسیار مهم‌تر است و اگر مادران احساس امنیت نکنند، با انتقال آن به فرزندان و کل خانواده، احساس اعتماد بنیادی را که لازمه زندگی آرام و بدون اضطراب آینده فرد است، در کودکان پدید نمی‌آورد و برای آنان و جامعه مشکلات فراوانی به دنبال دارد.

تحقیقات نشان داده است که زنان به علت ویژگی‌های فیزیکی، جسمی و روحی خود، علاوه بر آسیب‌پذیر بودن، احساس ناامنی بیشتری هم دارند و این احساس علاوه بر برداشت فرد از توانمندی‌های خود، به فرهنگ جامعه و نگرش به زن نیز بستگی دارد؛ لذا عوامل متعددی در تولید یا کاهش احساس امنیت زنان تأثیرگذار بوده است که در این تحقیق به نقش اتباع بیگانه در این زمینه پرداخته شده است. حضور اتباع بیگانه، خصوصاً اتباع در سطوح نازل اجتماعی به علت ویژگی مهاجر بودن و تمایز فرهنگی با جامعه و برچسب خوردن‌های متعدد مجرم بودن، ممکن است موجب کاهش احساس امنیت مردم محل، خصوصاً زنانی که قدرت دفاعی کمتری دارند، بیشتر در معرض تهدید قرار می‌گیرند؛ نتیجه تحقیق حاضر که به فرق زنان و مردان از نظر احساس ناامنی ناشی از حضور اتباع بیگانه خاصه افغان‌ها و عراقی‌های مقیم شهری در منطقه مسکونی خود پرداخته، نشان داده است که در کل، احساس امنیت گروه پاسخ‌گویان از این بابت محدود بوده و احساس ناامنی زنان از ترس آنان از تردد خود و فرزندان خویش در منطقه سکونت اتباع بیگانه، ترس از سکونت در این مناطق و نیز ترس از سرقت اموال به دست اتباع بیگانه بیش از مردان بوده است. فقط ترس از تهدید جانی بین زن و مرد فرق معناداری نداشت، لذا از پنج فرضیه فقط یک مورد تأیید نشده است.

این نتایج نشان داده که نظریه‌های مطرح شده خصوصاً دیدگاه‌های مربوط به «نقش حضور بیگانگان در کاهش احساس امنیت، به ویژه در زنان» تأیید گردیده است. در طول این نظریات مطرح شده که حضور اتباع بیگانه‌ای که مشهور به ارتکاب جرایم هستند، بیشتر احساس ناامنی را در زنان موجب شده است. همچنین دیدگاه «تجربه بزه‌دیدگی» معتقد است که علاوه بر زنانی که خود تجربه بزه‌دیدگی داشته‌اند، زنانی که خود قربانی جرم نبوده‌اند لکن آگاهی مستمر از حوادث جرایم داشته و نیز احساس ترس و ناامنی بیشتری داشته‌اند. با توجه به اخباری که به طور مستمر از جرایم اتباع بیگانه، خصوصاً افغان‌ها منتشر می‌شود، نگرش منفی به این مهاجران، در زنان تولید شده است، لذا حضور آنان در محله زندگی، خصوصاً در زمانی که زنان در فضاهای خلوت و ساکت قرار دارند، سبب افزایش احساس ناامنی ایشان شده است.

پیشنهادها: بر اساس نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود که برای افزایش احساس امنیت زنان:

■ دولت، نظارت و کنترل بیشتری بر ورود و خروج اتباع بیگانه داشته باشد و از ورود غیرقانونی آنان جلوگیری کند.

- اتباع بیگانه در محلات خاص حراست شده‌ای اسکان داده شوند و بر آنان نظارت و کنترل صورت پذیرد.
- پلیس و قوه قضائیه با برخورد قاطع و مقتدرانه با اتباع بیگانه مجرم که امنیت شهروندان را مختل می‌کنند، به کنترل آنان بپردازند.
- رسانه‌ها با به تصویر کشیدن اخراج اتباع بیگانه مجرم و تولید نگرش مثبت در خصوص اتباع بیگانه قانون‌مدار، احساس امنیت مردم را افزایش دهند.

منابع

منابع فارسی:

- افشار، محمدرضا (۱۳۸۴). عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان در تهران. (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد). دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، تهران.
- ادیبی‌نیا، مهدی (۱۳۸۷). نقش اتباع عراقی در تهدید امنیت اجتماعی شهر قم. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه علوم انتظامی، دانشکده علوم امنیتی و جنایی، تهران.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس (پژوهشکده مطالعات راهبردی، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی (نشر اثر اصلی ۱۹۹۱).
- عمیدزنجانی. عباسعلی (۱۳۶۶). فقه سیاسی (جلد اول). تهران: امیرکبیر
- سازمان بهداشت جهانی. (۱۳۸۰). خشونت علیه زنان (شهرام رفیعی‌فر و سعید پارس‌نیا، مترجم). تهران: تندیس.
- سگال، مارتین (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی تاریخی خانواده (حمید الیاسی، مترجم). تهران: نشر مرکز (نشر اثر اصلی ۱۹۹۳).
- صادقی‌فسایی، سهیلا؛ میرحسینی، زهرا (۱۳۸۸، بهار). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر ترس از جرم در میان زنان شهر تهران. نامه علوم اجتماعی، ۱۷ (پیاپی ۳۶)، ۱۲۵-۱۵۲. بازیابی از http://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J_pdf/50613883605.pdf
- لرنی، منوچهر (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی امنیت. تهران: پیام پویا.
- معمدی‌مهر، مهدی (۱۳۸۰). حمایت از زنان در برابر خشونت: سیاست جنایی انگلستان. تهران: برگ زیتون.
- نجیبی، مریم (۱۳۸۴). شناسایی مشکلات امنیتی - اجتماعی زنان در روابط شهری. تهران: دفتر امور بانوان وزارت کشور.
- نصیری، محمد (۱۳۷۲). حقوق بین‌الملل خصوصی: (کلیات، تابعیت، اقامتگاه) (وضع اتباع بیگانه و تعارض قوانین و دادگاهها) (ویراست ۲). تهران: آگه.
- نظری‌تاج‌آبادی، حمید (۱۳۶۹). بررسی جنبه‌های مختلف حقوقی مسئله پناهندگی. تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- نیومن، اسکار (۱۳۸۷). خلق فضای قابل دفاع (فائزه رواقی و کاوه صابر، مترجمان). تهران: طحان؛ هله (نشر اثر اصلی ۱۹۹۶).

منابع انگلیسی:

- Brownlow, A. (2005). A Geography of Men's Fear. *Geoforum*, 36(5), 581-592. doi: 10.1016/j.geoforum.2004.11.005

- Møller, B. (2003). National, Societal And Human Security: Discussion- A Case Study of the Israeli-Palestine Conflict. *Brauch, Hans Günter; Liotta, PH; Marquina, Antonio; Rogers, Paul*, 277-288.
- Newman, O. (1972). *Defensible space: People and design in the violent city*. London: Architectural Press.
- Maurice, P., Lavoie, M., Charron, R. L., Chapdelaine, A., & Bonneau, H. B. (1998). Safety and Safety Promotion: Conceptual and Operational Aspects (pp. 34). Sweden: WHO Collaborating Centre on Community Safety Promotion, Karolinska Institutet.
- Vucetic, S. (2002). Traditional versus Societal Security and the Role of Securitization. *Southeast European Politics*, 3(1), 71-76. Retrieved from <http://www.seep.ceu.hu/archives/issue31/vucetic.pdf>

Archive of SID